

## مسائل و موانع جامعه‌شناختی توسعه روستائی در ایران

---

مهدی طالب

شهرها مولود روستاها هستند. اضافه تولید محصولات کشاورزی از یک طرف و مهاجرت از روستا به شهر از طرفی دیگر تا چند دهه پیش، موجب گسترش شهرها و شهرنشینی بوده‌اند. اگر تا چند دهه پیش و قبل از گسترش ارتباطات، شهرها وابسته به دهات بودند، امروزه روستاها، نه تنها تابع بلکه اسیر شهرها هستند. روند تغییرات جمعیتی و مراکز استقرار جمعیت نشانگر کاهش تعداد و حجم جمعیت نقاط روستائی است.

### مفاهیم:

قبل از پرداختن به مسائل و موانع جامعه‌شناختی توسعه روستائی در ایران ضرورت دارد تا نسبت به تعریف مفاهیم اساسی مربوط اقدام شود. واژه‌های توسعه، روستا، توسعه روستائی، جامعه‌شناسی نه تنها در تعاریف غالب صاحب‌نظران متفاوت هستند بلکه مسئولان و مجریان برنامه‌های عمرانی نیز هریک تلقی خاصی از این واژه‌ها دارند. تفاوت در برداشت‌ها با

عنایت به پویائی این واژه‌ها به گونه‌ای است که آنها را در حد یک «مشترک لفظی» تنزل می‌دهد. رشد<sup>۱</sup>، توسعه اقتصادی<sup>۲</sup>، توسعه اجتماعی<sup>۳</sup>، توسعه<sup>۴</sup>، واژه‌هایی هستند که کارکرد و کاربرد آنها با پیدایش مقوله برنامه‌ریزی بعد از جنگ جهانی دوم، یکی بعد از دیگری مطرح شده‌اند و با اینکه هر واژه مفهوم خاص خود را دارا بوده، لکن بدلیل پویائی نظریات و مقولات مربوط به برنامه‌ریزی، مفاهیم مختلفی بر آنها بارشده است.

#### مفهوم رشد:

افزایش تولید ناخالص ملی یک کشور در یکسال را رشد می‌گویند و نرخ آنرا با نسبت مقدار افزایش نسبت به کل تولید می‌سنجند. در قطع نامه‌های سازمان ملل، دهه ۱۹۶۰ را دهه توسعه نامیده و توسعه عمدتاً برحسب نیل به هدف نرخ رشد سالانه ۶ درصد در تولید ناخالص ملی تعریف شده است. در مواردی تفاوت نرخ رشد تولید ناخالص ملی سرانه با نرخ رشد جمعیت را، شاخص اساسی رشد دانسته‌اند.

نتایج اعمال سیاست‌های رشد اقتصادی در کشورهای جهان سوم که عمدتاً متوجه رشد شتابان صنعتی بود، نه تنها موجب شد، کشاورزی سنتی این جوامع را جلو کاروان صنایع مونتاژ قربانی کنند، بلکه نابرابریهای اجتماعی را تشدید کرده و بقول سیرز<sup>۵</sup> این سیاست‌ها نه تنها فقر، بیکاری، نابرابری اقتصادی و اجتماعی را زایل نکرد، بلکه حتی بر میزان آنها افزود<sup>۶</sup> و بعبارتی فقر را جابجا کرد، بیکاری را عیان کرد و نابرابری را افزایش داد.

#### مفهوم توسعه اقتصادی:

توسعه اقتصادی مقوله‌ای بود که از دهه ۱۹۷۰ جایگزین واژه رشد شد یا بعبارت روشنتر تکیه بر افزایش درآمد ناخالص ملی مردود دانسته شد و متغیرهای دیگری هم به رشد افزوده شد. بنحوی که مثلاً پروفیسور گولت<sup>۷</sup> و دیگران گفته‌اند که برای درک معنای توسعه اقتصادی باید حداقل به سه مقوله بعنوان پایه اساسی و رهنمود عملی در راه رشد نگریسته شود: معاش زندگی، اعتماد به نفس و آزادی، تا دهه ۱۹۸۰ عوامل دیگری هم به مقوله رشد اقتصادی افزوده شد و توسعه اقتصادی را عبارت دانستند از مقوله‌ای که درصدد رسیدن به اهداف زیر بصورت یکپارچه باشد.<sup>۸</sup>

- ۱ - بهره‌وری بالاتر و افزایش تولید یا رشد تولید ناخالص ملی.
- ۲ - توزیع عادلانه منافع توسعه بین افراد جامعه.
- ۳ - اشتغال که هدف و وسیله توسعه باشد.
- ۴ - مشارکت مردم در طراحی و اجرای توسعه.

۵ - اعتماد به نفس که مبارزه با عقده حقارت و تصمیم به استفاده از منابع ملی را شامل می‌شود.

۶ - حفظ توازن بوم‌شناختی (اکولوژیک)

### توسعه اجتماعی:

نیز مقوله دیگری بود که در کنار توسعه اقتصادی مطرح می‌گردید. زمانیکه رشد و شاخص‌های کمی ملاک توسعه اقتصادی بود، توسعه اجتماعی را، وجود زمینه‌های لازم تحول در رفتارها، نهادها، ارزش‌ها و اصولاً ایدئولوژی جامعه می‌دانستند. استفاده از ابزار و تکنیک‌های نوین، انسانی را با باورها و ارزشهای دیگری می‌طلبید و لذا توسعه اجتماعی را پیش نیاز، ملازم و در مواردی نتیجه توسعه اقتصادی ذکر کرده‌اند.

در زمینه پیش نیاز معتقد بودند<sup>۹</sup> رشد و توسعه اقتصادی به تغییر در طرز فکر و کارآئی، تلاش یا نظم، وقت‌شناسی، صرفه‌جوئی، شرافت، عقلانیت، تحول‌پذیری، کمال، خوداتکائی، هم‌آهنگی و ... نیازمند است. و چندسالی موضوع توسعه اقتصادی یا توسعه اجتماعی کدام مقدم است و ... مثل موضوع انشاء «علم بهتر است یا ثروت» درآمد بود و هنوز هم کهنه اقتصاددانان به مرز بین این دو مقوله معتقدند.

### توسعه:

مقوله‌ای است که در دهه ۱۹۸۰ و پس از ارزیابی نتایج حاصله از اجرای برنامه‌های مبتنی بر رشد و توسعه اقتصادی، مفهومی عام‌تر و بیشتر اجتماعی بخود گرفته است. اگر چه تعالیم انسان‌ساز اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش ویژگی‌ها و شاخص‌های توسعه را مشخص کرده است<sup>۱۰</sup> ولی مهاتماگاندی در چند دهه پیش توسعه را «تحقق قدرت بالقوه بشر» دانسته است<sup>۱۱</sup> در چند سال اخیر با عنایت به شکست سیاست‌های توسعه، به ابعاد اجتماعی و جامعه‌شناختی توسعه بیشتر عنایت شده است.

تودارو می‌نویسد بحث توسعه، امروز دارای فروضی ارزشی، ضمنی و تصریحی درباره هدف‌های مطلوب است که پایه آنرا می‌سازد و از یک نوع قضاوت ارزش ذهنی منتج می‌شود که معلوم می‌کند چه چیز خوب و مطلوب است و چه چیز نامطلوب و لذا ارزشهای متضادی وجود دارد. برای مثال احترام به مالکیت شخصی و حقوق افراد، تراکم نامحدود ثروت‌های شخصی، تثبیت نهادهای سنتی اجتماعی و ساخت طبقاتی نابرابر و انعطاف‌پذیر...

وی نتیجه می‌گیرد که این قضاوت‌های ارزشی هرچقدر هم پنهان شوند، عناصر تفکیک‌ناپذیر تحلیل اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی هستند. وقتی این ارزشها توسط یک

ملت یا کسانی که مسئولیت تصمیم‌گیری‌های ملی را برعهده دارند مشخص شد، امکان حرکت وجود خواهد داشت. نیل به توسعه مشکل‌تر از آن است که برخی تصور می‌کنند، زیرا رسیدن به شاخص‌های توسعه مثل افزایش تولید ملی و بالابردن سطح زندگی و ایجاد امکانات گسترده اشتغال به همان اندازه که نتیجه مستقیم و تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی استراتژیک هستند تابع ارزش‌ها، انگیزه‌ها، طرز تفکرات، اعتقادات و ترتیبات نهادی و قدرت یک جامعه می‌باشند. همانطور که برخی اوقات بعضی از اقتصاددانان «علم» خود را با حقیقت جهانی یکی می‌پندارند. گاهی اوقات، نیز به اشتباه این متغیرهای غیراقتصادی را به عنوان متغیرهای «غیرقابل تبدیل به کمیت» و لذا غیرمهم نادیده می‌گیرند، ولی بسیاری از شکست‌های سیاست‌های توسعه در کشورهای جهان سوم دقیقاً به این علت بوده است که این عوامل غیراقتصادی عمداً یا سهواً از تحلیل مستثنی شده‌اند.<sup>۱۲</sup>

شاید بهمین علت واداکان<sup>۱۳</sup> رئیس موسسه توسعه آسیا و اقیانوسیه سازمان ملل می‌نویسد «هر راهبرد توسعه‌ای خاص کشوری است و یک راهبرد یا راهبردهای جانشین را فقط از این رو که حاصل هدف‌های عمده در چنین رهیابی‌هایی است می‌توان رهیابی جدید به شمار آورد این هدف‌ها عبارتند از: رهائی از چنگال فقر شدید از طریق ایجاد اشتغال برای تهیدستان شهری و روستائی، تأمین حداقل نیازهای اساسی قابل قبول برای همه، بالابردن بهره‌وری، تساوی بیشتر بین حوزه‌های جغرافیائی و در میان طبقات محروم، تمرکززدائی و مداخله مستقیم مردم در تصمیم‌گیریها، تأکید بر اعتقاد به نفس جمعی و ملی و توازن و بهبود کیفیت محیط و...»<sup>۱۴</sup>

امروزه توسعه را چند بعدی و همه جانبه می‌نگرند، اگر چه هر صاحب‌نظری سعی دارد در ترتیب این ابعاد یا اولویت دادن به برخی شاخص‌ها، به نکات خاصی توجه کند. برخی توسعه را از رشد اقتصادی شروع می‌کنند و برخی دیگر، توسعه را معادل توسعه انسان بعنوان یک فرد و یک موجود اجتماعی با هدف آزادی و شکوفائی او تلقی می‌کنند. دسته دیگر توسعه را عامل ارضای نیازهای انسان می‌دانند که با از میان بردن فقر آغاز می‌شود.<sup>۱۵</sup>

برخی توسعه را مترادف با مشارکت دانسته و می‌نویسند: «توسعه نوعی فرآیند بنیادی، تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که در آن نقش اصلی را باید اکثریت اعضای جامعه خود برعهده داشته باشند.<sup>۱۶</sup> و برخی دیگر توسعه را معادل ایدئولوژی و مسلک می‌شمارند.<sup>۱۷</sup>

در نتیجه‌گیری از این مبحث به چند نکته اشاره دارد:

۱ - توسعه حتی زمانی که به معنای رشد اقتصادی مدنظر بوده، فرآیندی چند بعدی است.

۲ - فاصله نظر تا عمل زیاد است و به اجراء درآوردن نظریات دهه ۷۰ و ۸۰ برای

- کشوری مثل ایران لااقل چند دهه وقت می‌طلبد چرا؟
- ۱- برای اینکه کارشناسان، مشاوران و در مواردی مسئولان مقولات مربوط به چند دهه پیش را فراگرفته، در کتب می‌جویند و راهبردهای مربوط را فراگرفته‌اند.
  - ۲- دیدگاه کمی که به سادگی با ارقام نشان داده می‌شود، به لحاظ ضرورت‌های اولیه حاکم بر مسائل این کشورها، کاربرد بیشتری دارد. مسئولی که چند درصد محصولی را بالا برده است، حرفی برای گفتن دارد، در حالیکه تغییر مقولات کیفی چون قابل ارائه نیست، ظاهراً مطلوب هم نیست.
  - ۳- ساخت اداری، دانشگاهی و مشاوره‌ای، بیشتر بخشی جدا از هم هستند و لذا یکپارچگی در عمل وجود ندارد.
  - ۴- در اهداف برنامه‌های توسعه از مقولاتی کمی و کیفی بحث می‌شود. لکن عملاً به دلیل محدودیت‌های موجود، به کمیات می‌پردازند و کیفیات را به تعارف برگزار می‌کنند.

### تعریف روستا:

روستا را با ملاک‌های مختلفی از شهر جدا می‌کنند، کاربردی‌ترین آن که مورد استفاده برنامه‌ریزان و سازمان‌های اداری قرار می‌گیرد، ملاک جمعیتی و عدم وجود شهرداری در روستاهاست. در این مقاله به معرفی محیط روستائی می‌پردازد که در مواردی می‌تواند شامل مناطقی شود که ظاهراً شهر محسوب شده‌اند. محیط روستائی تحت تأثیر دو عامل عمده قرار دارد. یکی عامل طبیعی و جغرافیائی و دیگر عامل انسانی.

در جوامع روستائی کشورهای جهان سوم، عامل جغرافیائی در نوع ساختمان‌ها، اندازه مساکن، ترکیب مساکن، نوع مصالح ساختمانی، معماری، نوع محصولات، ترکیب منابع معیشت و ... تأثیر بارزی دارد. به این ترتیب که روستائی با عواملی یا منابعی سروکار دارد که نبات یا حیوان هستند که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند و با فعالیت‌های شهری متفاوت هستند. مثلاً در باغداری، درخت زمان خاصی شکوفه و زمان معینی میوه می‌دهد، برنامه کار را تقویم کشاورزی که مبتنی بر عوامل طبیعی است مشخص می‌کند، گاو، گوسفند یا طیور در محدوده زمانی خاصی تولید مثل می‌کنند، در دوره خاص بهره می‌دهند و ... بنابراین روستائی با مسائلی سروکار دارد که با سطح دانش تجربی خود، قادر به تغییر آنها نیست، علاوه بر اینها برخی از مواقع آفات طبیعی مثل سیل، طوفان، سرمازدگی، کم‌بارانی و ... هستی او را به باد می‌دهد. رویهم‌رفته در جامعه روستائی کشورهای جهان سوم، عامل طبیعی و جغرافیائی بر

فعالیت‌های افراد موثر است و لذا اثراتی هم در باورها و اعتقادات آنها دارد. اگر فرهنگ را مجموعه بهم پیوسته عمل، تفکر و احساس بدانیم<sup>۱۸</sup> فرهنگ روستائی نقش عمده‌ای از مسائل طبیعی و جغرافیائی را پذیرفته است.

محیط انسانی نیز از دیگر عوامل موثر در محیط روستائی به حساب می‌آید. روستاها معمولاً در نقاطی پدید آمده‌اند که منابع طبیعی امکان زندگی را فراهم آورده است. حتی در مواردی که انسان در رابطه خود با محیط از تکنیک و ابزار استفاده کرده، حد استفاده از منابع و تعداد جمعیت را منابع طبیعی مشخص کرده است. روستاها در کنار رودخانه‌ها، در صورت وجود زمین زراعی، و یا در اطراف چشمه‌ها، و یا در نزدیکی مظهر قنوات احداث شده‌اند. محدودیت آب زراعی و عدم امکان تحرک طولانی در طول فصل کار، حد خاصی از جمعیت را به هر روستا تحمیل کرده بود. محدود بودن تعداد جمعیت، پائین بودن سطح تکنولوژی، وجود نظام مالک و رعیتی و ... باعث شده بود که افراد در کنارهم زندگی کنند، جدا از هم کارکنند و فعالیت‌های تقریباً موازی بدون تقسیم کار در سطح روستا داشته باشند. تشابه کار، تشابه زندگی، روابط نزدیک و چهره به چهره، جامعه روستائی را بصورت گروه اجتماعی طبیعی با سطح کنترل و نظارت قوی مطرح کرده بود.

ویژگی‌های انسانی، طبیعی و جغرافیائی محیط روستائی در مجموع روستائی را با خصلت‌های زیر مطرح کرده است:

- تجربه گرا، مشارکت‌گرا، استقلال‌طلب، مالکیت خواه، تاحدی قدرت‌گرا و ...

### روستا و توسعه:

در ایران قائل به شیوه تولید آسیائی بوده‌اند. این شیوه ویژگی‌های زیر را دارا بوده است: وجود قدرت مرکزی، وجود جدائی بین مالکیت عوامل تولید از جمله زمین و آب با نیروی کار و وجود رابطه مزارعه. زارع زمین را طبق نظر مالک و یا نمایندگان او می‌کاشت، محصول با مالک تقسیم می‌شد و سهم بخور و نمیری به زارع می‌رسید و مالک به دولت مالیات می‌پرداخت. به این ترتیب هزینه‌های دولت را مالکین تأمین می‌کردند<sup>۱۹</sup>، زندگی مالک را روستائیان تأمین می‌کردند. روستاها بر محور علم تجربی «ملکداری» اداره می‌شدند. بتدریج شهرها گسترش یافتند و با کودتای ۱۲۹۹ و تقویت حکومت مرکزی و اقداماتی که در دوره رضاخان به عنوان پیشرفت و نوسازی ممکن صورت گرفت، در سال ۱۳۱۶ اولین قانون عمران، راجع به روستاها تدوین شد و مقرر گردید که اقداماتی توسط مالکین دهات با نظر شورای بخش در زمینه افزایش محصول از طریق احداث، احیاء و تعمیر قنوات، دائر کردن اراضی بایر، دائر نگاه‌داشتن آنها بطریق اصول فنی، بهداشتی کردن انهار، احداث و اصلاح

خانه‌های رعیتی، تأسیس راههای فرعی بین دهات، خشک کردن اراضی باتلاقی بوسیله زهکشی، عمران خانه‌های رعیتی توسط رعایا، صورت گیرد.

تا زمان اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰، قوانین و مقررات دیگری مثل صندوق تعاون روستائی و قوانین بنگاه عمران کشور، قانون ازدیاد سهم کشاورزان از محصول و ... به تصویب رسید و از طریق برنامه اول و دوم عمرانی کشور و حتی «هیات عملیات عمرانی آمریکا در ایران» یعنی اصل ۴ در جهت توسعه و عمران روستاها اقداماتی صورت گرفت که کمتر قرین توفیق بودند عمده دلیل این ناکامی‌ها در وجود ساخت اجتماعی، سیاسی نامناسب جهت اجرای این امور بود. اصلاحات دهه ۱۳۴۰ از جمله اصلاحات ارضی ادعای انجام تغییرات ساختاری در جامعه را برای آماده‌سازی برنامه‌های توسعه و رشد داشت.

رشد و توسعه روستائی در برنامه‌های عمرانی کشور معادل رشد بخش کشاورزی در نظر گرفته شد، و اختصاص بودجه‌ای کمتر از بودجه و اعتبار سایر بخش‌ها به بخش کشاورزی، از یک طرف و صرف آن بگونه‌ای که بخش عمده‌ای از آن صرف جامعه شهری شده از طرف دیگر، موجب عدم پیشرفت و رشد جامعه روستائی شده بود.

این مقاله قصد آن را ندارد که به استراتژیهای رشد و توسعه بپردازد و عدم صداقت برنامه‌ریزان را در این میان برشمارد، در برخی از برنامه‌ها و استراتژیهای مربوط به کاهش جمعیت روستائی، سوق دادن آنها بسوی شهرها از اهداف برنامه بوده است از همه مهمتر شاه‌که ظاهراً تعیین‌کننده خطوط اساسی برنامه‌های عمرانی بود، به جدّ توصیه می‌کرد نسبت جمعیت شهری و روستائی که در آن زمان  $\frac{۱}{۴}$  و  $\frac{۳}{۴}$  بود باید معکوس شود.

از زمانیکه هسته اولیه سازمان برنامه و بودجه در ایران با کمک مشاوران و کارشناسان خارجی پدید آمد<sup>۲</sup>، دو سال طول کشید تا برنامه هفت ساله اول بمرحله اجراء درآمد. تحت تاثیر القائات خارجی خصوصاً کارشناسان آمریکائی و به منظور جلوگیری از نفوذ کمونیسم، و تثبیت موقعیت دست‌نشانندگان خود و از همه مهمتر پیشبرد جریانات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی کشور در جهت مصالح و منافع استراتژیک استعمارنو، برنامه‌ریزان برانجام تغییرات ساختی در قالب رفرم‌های اجتماعی، اقتصادی کوشیدند.

طرح مقوله اصلاحات ارضی از همان آغاز بمنظور جلوگیری از بروز نهضت‌های داخلی در کشورهای جهان سوم بود. زیرا در آن دوره در چین و برخی دیگر از کشورها مقابله با مالکین بزرگ و تقسیم‌زمین‌ها منجر به دگرگونی‌های اساسی شده بود. آمریکا بعنوان رهبر امپریالیسم جهانی تحت تأثیر شرایط کشورهای مزبور بعد از جنگ دوم جهانی طرح اصل ۴ ترومن را مطرح کرد. ترومن در این باره اعلام کرد، این طرح یک اقدام عملی برای نشان دادن رویه ما نسبت

به کشورهایی است که مورد خطر سلطه کمونیسم قرار گرفته بودند.<sup>۲۱</sup> اجرای برنامه‌های اول تا پنجم عمرانی در ایران با محور قراردادن رشد اقتصادی نتایجی بیار آورد که برخی از آنها جزء اهداف اعلام نشده و یا پنهان استراتژی رشد شتابان صنعتی بود و در مجموع موجب گردید که علاوه بر تشدید فقر و افزایش نابرابری درآمد، شرایطی را در جامعه پدید آورد که در شرایط بعد از انقلاب اسلامی کار را برای اجرای برنامه‌ای مناسب بس دشوار نموده است. در زیر به برخی از پی‌آمدهای استراتژی مزبور در رابطه با جامعه روستائی اشاره می‌شود:

- ۱ - مسائل روستاهای کشور از دریچه رشد بخش کشاورزی ملاحظه شد.
  - ۲ - بخش کشاورزی فدای بخش صنعت وابسته شد. سهم بخش کشاورزی در برنامه اول ۲۸ درصد، در برنامه سوم ۲۰ درصد، در برنامه چهارم ۸ درصد و در برنامه پنجم ۷/۵ درصد بوده است.
  - ۳ - وابستگی کشور از طریق واردات محصولات کشاورزی. در سال ۱۳۶۳، درصد وابستگی به این ترتیب بوده است: گندم ۲۳/۵ درصد، برنج ۲۷/۶ درصد، جو ۲۱/۹ درصد، ذرت ۶۸/۵ درصد، کنجاله ۹۷/۴ درصد، گوشت قرمز ۲۲/۷ درصد، کره ۴۰ درصد، پنیر ۹۳ درصد، روغن خام ۸۰ درصد، شکر ۵۵ درصد.<sup>۲۲</sup>
  - ۴ - عنایت به شهرها و رها کردن روستاها، از بین شهرها نیز عنایت بیشتر به تهران شده است بطوریکه در سال ۵۶ حدود ۴۰ درصد سرمایه‌گذارها و ۶۰ درصد از کل سرمایه‌گذارهای صنعتی در تهران صورت گرفته،  $\frac{۲}{۳}$  سرمایه‌گذارهای خارجی، ۴۰ درصد اشتغال خردفروشی و  $\frac{۳}{۴}$  درصد اشتغال عمده‌فروشی در تهران وجود داشته است ۸۴ درصد وامهای مسکن در تهران پرداخت شده، ۳۵ درصد از بانکهای موجود با ۷۵ درصد سپرده‌های بانکی در تهران قرار داشته است در حالیکه جمعیت تهران  $\frac{۱}{۳}$  جمعیت کل کشور بوده است و نیمی از دانش‌آموزان کشور در تهران بوده‌اند.<sup>۲۳</sup>
  - ۵ - مهاجرت روستائیان به شهرها را افزایش داد. دگرگونی‌های حاصل شده در روستا پدیده‌گریز از فقر را پدید آورد و چون هیچگونه سرمایه‌گذاری جهت آموزش و اشتغال جمعیت رو به تزاید و گریزان از فقر روستائی نشده بود. آنها را به کارگل در شهرها کشانید و مقوله قائل بودن به خیر محدود، قناعت و زندگی محقر و خالی از آسیب‌های اجتماعی روستائیان را بصورت فقر عریان آلوده به گناه و پر از آسیب اجتماعی تبدیل کرد.
- تغییرات و دگرگونی‌های حاصله در جامعه روستائی، موجب جابجائی فقر شد.



یعنی گریز از قناعت و سلامت به فقری معمرلاً گناه آلود و انحرافی بدل شد. چون فقر در شهر، منحرف اجتماعی می‌پرورد، در حالیکه فقر روستائی را مناعت طبع و سلامت نفس به بند می‌کشد.

۶ - نابرابریهای درآمد را افزایش داد، در سال ۱۳۵۳ درآمد ماهانه مهاجرین در تهران به حدود دوهزار تومان در ماه (۲۰۲۴۰ ریال) می‌رسید در حالیکه درآمد همین خانوارهای مهاجر تا قبل از مهاجرت تنها حدود دویست و هفتاد تومان (۲۶۹۰ ریال) در ماه بوده است یعنی درآمد آنها با آمدن در شهر ۷/۵ برابر شده است ولی در مجموع برضریب جینی (Gini) جامعه افزوده شد. سهم بخش کشاورزی در نیروی کار کاسته شد. در سال ۱۳۴۱ حدود ۵۵ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی شاغل بود که در سال ۵۶ این سهم به ۳۲ درصد رسید و تولید سرانه نسبی بخش کشاورزی از ۰/۶ به ۰/۴۵ کاهش یافت. سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص ملی از ۲۷/۴ درصد در سال ۱۳۴۱ به ۹/۲ درصد در سال ۱۳۵۷ کاهش یافت.<sup>۲۴</sup>

علاوه بر موارد فوق، توسعه بی‌رویه شهرها، افزایش سطح مصرف که در آغاز موجب رضایت خاطر افراد شد و بعداً موجب تداوم و تشدید وابستگی گردید، تظاهر به دموکراسی و تاکید بر انتخابات و برکرسی نشان دادن نخبگان مورد نظر که در واقع نقش واسط بین ساخت سنتی جوامع و مراکز سرمایه‌داری را برعهده داشتند، تولید بیکاری و کم‌کاری از طریق ایجاد بخش شرکتی و سرمایه‌گذاری برای تولید صنعتی و کشاورزی تجاری که قادر به جذب نیروی کار رو به تزیاید نبوده است، و بالاخره تشدید دوگانگی شهر و روستا که موجب گردیده است روستا در این رابطه متضرر شود. تا جائیکه دچار فرهنگ گریزی هم شده است.

### موانع توسعه روستائی

موانع یا عوامل موثر در توسعه روستائی را میتوان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

#### موانع ساختی

با اینکه روستاها سنگ ما در شهرها محسوب می‌شوند، و شهرها مولود روستاها هستند ولی همواره شهرها، درصدد ایجاد هم‌آهنگی بین نیازهای خود و فعالیت‌های روستاها بوده‌اند. بعد از جنگ دوم جهانی، کشورهای اروپائی که پس از بازسازی بخش صنایع با بهره‌گیری از طرح مارشال با گسترش شهرها و انبوه تولیدات صنعتی مواجه بودند، از روستاها توقع تامین نیازهای غذایی شهر و چرخش چرخ‌های صنایع را داشتند، ولی دشواریهایی در این راه احساس

می‌کردند. این دشواری‌ها در کشورهای جهان سوم جدی‌تر بود، برنامه‌ریزی قطب‌های رشد صنعتی تحولاتی در جوامع اقماری می‌طلبید. بروز این تحولات به سادگی متصور نبود، زیرا ساخت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این جوامع بویژه جوامع روستائی خود از عمده مشکلات تحول بشمار می‌آمد. لذا به اعلام دهه ۱۹۶۰ بعنوان «دهه توسعه» اقدام کردند. در صدر برنامه‌های توسعه ایجاد ساخت‌های مناسب را خواستار شدند. اصلاحات ارضی محور تغییرات ساختی مورد نظر در جوامع روستائی بود که در بیش از ۳۰ کشور جهان سوم در همین دوره به مرحله اجراء درآمد.<sup>۲۵</sup>

بنظر گروهی از کارشناسان، در برخی از کشورهای دارای اقتصاد سنتی مبتنی بر کشاورزی، نظام مالکیت ارضی مانع عمده‌ای در راه توسعه است. در ایران مالکان ارضی زراعی که بعد از انقلاب مشروطیت نقش عمده‌ای در سیاست و اقتصاد برعهده گرفته بودند، مانع عمده توسعه محسوب می‌شدند، لذا اصلاحات ارضی قبل از هرچیز، مصمم به حذف قدرت سیاسی آنها بود که بدلیل نفوذ در مراجع قانونگذاری و اجرائی و ... مانع تغییرات بودند.<sup>۲۶</sup>

استراتژی اصلاحات ارضی به معنای اتحاد تقریباً تمام طبقات اجتماعی علیه متنفذان ارضی بعنوان مسئول اصلی عدم پیشرفت اقتصادی محسوب می‌شد. استدلال می‌شد سلطه سیاسی متنفذان ارضی مانع اصلاحات اقتصادی لازم برای رشد اقتصادی است. بنابراین تغییرات جزئی ثمربخش نبود و باید تحول ساختاری بوقوع می‌پیوست. بنظر آنها دهقانان به مجرد رهائی از نظام غیرکارآ و ظالمانه ارباب و رعیتی، مواد غذایی بیشتری تولید می‌کنند و درآمد خود را افزایش می‌دهند، افزایش درآمد کشاورزی بنوبه خود به افزایش تقاضای مصرف کالاهای صنعتی داخلی منجر می‌شود و انگیزه‌ای برای توسعه صنایع ملی فراهم می‌آورد. دخالت آگاهانه دولت در اقتصاد موجب تسریع در ایجاد واحدهای صنعتی جدید می‌شود و بورژوازی صنعتی و یا طبقات متوسط شهری قدرت سیاسی را از متنفذان ارضی خواهند ستاند.<sup>۲۷</sup>

به رغم این نظرات و نظراتی که عدالت‌خواهی و رفع ظلم از روستائیان را بعنوان عمده‌ترین قشر اجتماعی خواهان بود، انجام اصلاحات ارضی بمنظور ایجاد ساختاری مناسب رشد و توسعه کشورهای قطب یا محور، طراحی و بمرحله اجراء درآمد.

مقاومت‌های جدی صاحب منصبان و متنفذان ارضی موجب گردید تا بخش‌های صنایع وابسته، به آنها واگذار شود و در قالب واحدهای مکانیزه و سرمایه‌داری کشاورزی مورد توجه نظام سیاسی باشند، بعبارتی آنها تغییر موضع دادند و مجاز شدند تا استثماری نو را پیگیری کنند که ظاهرالصلاح تر از استثمار قبلی بود. در ایران موانع ساختی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱ - وجود ساختارهای قبلی.
- ۲ - موانع ایجاد شده پس از تبدیل ساختار قبلی.

ساختار مبتنی بر نظام اقتصاد کشاورزی سنتی که بر قدرت و منافع مالکان صاحب منصب و بقولی هزار فامیل قرار داشت به زور و ضرب فشارهای سیاسی، خاصه از جانب آمریکا و سرعت دستخوش تغییر شد. ولی این تغییر موجب پیدایش موانع جدی تر شد که محصول مترقبه و غیرمترقبه تغییر ساختار مزبور بود.

ورود دولت به روستا متعاقب اصلاحات ارضی، به منظور پرکردن خلاء ناشی از نظام ملکداری یا مدیریت روستائی در دهات کشور، موانع جدیدی را در راه رشد و توسعه پدید آورد. اگر چه ظاهراً بمنظور خودگردانی جامعه روستائی و تولید کشاورزی، به ایجاد تعاونی‌های روستائی متوسل شدند ولی بزودی این تعاونی‌ها بدلیل عدم آمادگی قبلی، و عدم انطباق با خصلت‌های فرهنگی و اجتماعی روستائیان و نیز به لحاظ ضعف مالی، فنی، تدارکاتی و ... ابزار دست دولت شدند و به موسساتی شبه دولتی بدل شدند.

روستائیان که از دریافت زمین مشعوف شده بودند و به چیزی رسیده بودند که قرن‌ها تمنای آنرا داشتند، سرمست از موقعیت مالک شدن خود بودند. در این شرایط دولت با تمام قوا به روستاها هجوم آورد، سپاهیان دانش، بهداشت ترویج و آبادانی، عدالت، سرپرستان تعاونی‌ها پیشقراولان این هجوم بودند عمده موانعی که با ورود گسترده دولت به روستاها مطرح شدند عبارتند از:

- ۱- مدیریت تولیدی و اقتصادی و خدماتی ده دستخوش تغییر شد، و دولت سعی کرد که جایگزین مالک بشود ولی این امر مشارکت روستائیان را کاهش داد، از تولید واحدهای کوچک کاسته شد. مهاجرت تسریع شد، جوانان پس از آموزش دوره‌های ابتدائی راهی مراکز شهری شدند.
- ۲- بر تعداد واحدهای کوچک بهره‌برداری، افزوده شد، ولی مشکلاتی از جمله کوچک بودن قطعات اراضی، تعداد آنها، نبود ماشین‌آلات کشاورزی، نداشتن سرمایه لازم جهت سرمایه‌گذاریهای زیربنائی و اصولی و حتی سرمایه‌گذاری جاری، کم سواد و ... موجب شد رشد کشاورزی بکندی گراید و روستا مورد هجوم عوامل واسطه، میدان‌دار، سلف‌خران و نزول خوران قرار گیرد.
- ۳- این ذهنیت که «دولت باید همه چیز را درست کند» گسترش یافت، «مرکز» مفهوم و معنائی گسترده‌تر یافت، مشارکت‌های مردمی کاهش پیدا کرده و توقع‌های بجا و بیجا از دولت افزایش پیدا کرد و ساختار اقتصادی و روابط تولیدی جامعه روستائی که بر مبنای کم‌آبی و پراکندگی روستاها مبتنی بر مدل اریدیسولاتیک (Aridisolatic)<sup>۲۸</sup> بود، متحول شد ولی دولت استراتژی مناسب این ساختار را اتخاذ نکرد.

- ۴ - گسترش رابطه شهر و روستا که بانظر و اراده دولت پدیده عمده بعد از حذف مالکین بود، موجب گردید شکاف عمده‌ای بین تولید و مصرف در جامعه روستائی پدید آید.<sup>۲۹</sup> در مواردی دولت طرح‌هایی را برای رساندن اقلام خاص از کالا به روستا تهیه و اجراء میکرد.<sup>۳۰</sup>
- ۵ - از دیگر موانع ساختی برخورد برنامه‌ریزان و مجریان دولتی با جامعه روستائی را می‌توان ذکر کرد.
- برنامه‌ریزی از بالا، و اتخاذ راهبردهای مبتنی بر گسترش صنایع، اتخاذ شیوه برنامه‌ریزی بخشی موجب گردید تا توسعه روستا در ایران کمتر مدنظر قرار بگیرد.
- در برنامه‌های عمرانی ۵ ساله روستاهای دارای کمتر از ۵۰ خانوار یا ۲۵۰ نفر جمعیت را کنار گذاشتند و ارائه خدماتی چون ساخت حمام، غسالخانه، آب مشروب و ... جای اقدامات اساسی و زیربنائی را گرفت.<sup>۳۱</sup>
- ادغام خدمات روستائی را با ادغام روستاها عوضی گرفتند و زمینه خالی از سکنه شدن روستاهای زیادی فراهم آمد.
- در اجرای همین برنامه‌ها و استراتژی‌هایی که در قالب برنامه‌های عمرانی برای جامعه روستائی تدوین شده بود. مشکلات زیر همواره وجود داشته است.

### مشکلات اجرایی برنامه‌های عمرانی روستایی

- ۱ - برنامه‌ریزی از بالا از یکطرف و تهیه طرحها و پروژه‌ها نیز که در رده‌های ستادی به تصویب می‌رسد از طرف دیگر، موجب شد، تا به نیازهای واقعی مردم عنایت نکرده و قادر به جذب مشارکت آنان نباشند. مسئولان رده بالا در عین حال که تابع محض مافوق خود هستند، نظرات یکدیگر را قبول ندارند و اگر هم گاهی نظری ابراز کنند برانجام آن پای نمی‌فشارند.
- ۲ - بخشی عمل کردن موجب شده است تا علاوه بر عدم هم‌آهنگی بخش‌های مختلف در سطح روستاها، در مواردی نیز اقدامات متضادی انجام دهند.
- ۳ - مسئولان و کارمندان عالیرتبه با اتکاء به مقام یا تحصیلات خویش به حرف‌های کارشناسان و رده‌های پائین‌تر اعتناء نمی‌کنند و به آنها میدان نمی‌دهند، آن رده‌ها نیز با زیردستان خود همین کار را می‌کنند. معمولاً قدرت را تفویض نمی‌کنند و همین امر به برنامه‌ریزی متمرکز و حتی اجرای متمرکز میدان می‌دهد که بقول برخی از متخصصان توسعه، یکی از مشکلات توسعه است.<sup>۳۲</sup>
- ۴ - برنامه‌ریزی از بالا موجب می‌گردد که از مشارکت مردم فقط در جهت اخذ مبلغی

از هزینه پروژه‌های تصویبی استفاده نمایند، مشارکت را در معنای شرکت روستائیان در تصمیم‌گیری، اجراء، ارزشیابی و ... نمی‌دانند لذا عمدتاً پروژه‌ها را خود دولت اجراء می‌نماید و در مواردی برای نگهداری آن نیز مواجه با مشکل می‌شود.

۵ - اعتقاد به فلسفه «اجبار به پیشرفت» فرصت لازم برای توجیه مردم جهت جلب مشارکت موثر آنها را فراهم نمی‌آورد، و این عدم مشارکت مردم را با «سواد» در رابطه قرار می‌دهند. و آنچنان روی آن پای می‌فشارند که تصور مترادف بودن بی‌سوادی با بی‌شعوری را به ذهن متبادر می‌سازد.

۶ - بی‌اعتقادی به مشارکت مردم موجب شده است تا کانالها و سازمان‌های مناسب مشارکت را در جامعه روستائی پدید نیاورند. بررسی کارکردهای برخی از این سازمان‌ها بیشتر نشان‌دهنده انجام برخی فعالیت‌های اجرائی در رابطه با سازمان‌های دولتی است، بعبارت دیگر این سازمان‌ها بیشتر بازوی اجرائی دولت هستند، تا انعکاس‌دهنده نیازها و یا جلب‌کننده مشارکت روستائیان.<sup>۳۳</sup>

### موانع اجتماعی و فردی توسعه:

صاحب‌نظران راجع به علل توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم و به ویژه توسعه‌نیافتگی جوامع روستائی نظراتی ابراز داشته‌اند. عمده این صاحب‌نظران بر مقدم داشتن دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی بر رشد اقتصادی تاکید کرده‌اند. راجرز (Rogers) خرده فرهنگ دهقانی را مانع توسعه دانسته و ده عنصر زیر را مانع توسعه ذکر کرده است:

- ۱ - عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی.
- ۲ - فقدان نوآوری.
- ۳ - تقدیرگرایی.
- ۴ - پائین بودن سطح آرزوها و تمایلات.
- ۵ - عدم توانائی چشم‌پوشی از منافع آتی بخاطر منافع آتی.
- ۶ - کم اهمیت دادن به عامل زمان.
- ۷ - خانواده گرایی.
- ۸ - وابستگی به قدرت دولت.
- ۹ - محلی گرایی.

۱۰ - فقدان همدلی.<sup>۳۴</sup>

فاستر (Foster) موضوع تصور خیر محدود (Limited Good) را مطرح می‌کند و عنوان می‌کند که از نظر روستائیان، چیزهای مطلوب محدودند و نفع هرکس موجب ضرر دیگری میشود.

نظریاتی از این قبیل جملگی از دیدگاه توسعه برون‌زا ناشی می‌شود. مسئولان و برنامه‌ریزان در چند دهه اخیر معتقد و مصمم به ایجاد دگرگونی در جامعه روستائی بوده‌اند ولی مقاومت و یا عدم همپائی روستائیان با برنامه‌های مورد نظر این افراد موجب شده است که اقدام به ارائه چنین نظریاتی نمایند. اگر توسعه درون‌زا را مدنظر داشته باشیم در آن صورت می‌بایست بدنبال مکانیسم‌های مربوط رفت.

در حال حاضر عدم توسعه جامعه روستائی پیش از آنکه ناشی از مقاومت و عکس‌العمل‌های روستائیان باشد ناشی از عدم شناخت و باور آنها بعنوان عاملان توسعه است. در دیدگاهی که مشارکت مردم را پایه سیاست‌های اجرایی قرار نمی‌دهد، مقاومت مردم نشان از حیات و وجود آنهاست و باین ترتیب نشان می‌دهند که نمرده‌اند و پیوندشان با اخلاق و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه مستحکم‌تر از آن است که به اراده برنامه‌ریزان و مسئولان آنها را، رها کنند.

ویژگی‌های عمده اجتماعی و فرهنگی روستائیان را می‌توان بشرح زیر برشمرد:

## الف - علاقه به استقلال اقتصادی:

روستائی علاقه‌مند به مالکیت فردی است و مایل است استقلال اقتصادی و مدیریت فردی خود را بر تولید و اقتصاد خانوار خودش حفظ کند. علاقه‌مندی زارع به زمین در حد عشق مطرح است.

هالباکس (M.Halbwaches) در مطالعه‌ای که در زمینه روانشناسی اجتماعی دهقانان انجام داده است، رفتارهای نمونه دهقانان را در رابطه با زمین چنین برمی‌شمارد:  
«یک روستائی بابت خرید یک قطعه زمین زراعی مبلغی زیاد و غیراقتصادی می‌پردازد».

نمونه این رفتار در منطقه سوران و سیب در شهرستان سراوان، مشاهده شد. در این منطقه مردان روستائی برای کارکردن به کشورهای جنوب خلیج فارس مهاجرت می‌کنند و مبالغ متناهی بدست می‌آورند. افرادی که دارای زمین نیستند مبلغ گزافی بابت خرید زمین می‌پردازند. در منطقه میبد یزد و ... نیز چنین رفتارهایی مشاهده شده است.

## ب - علاقه به استقلال اجتماعی:

نیاز به داشتن زمین برای روستائیان معنای دیگری هم دارد، تا قبل از اصلاحات ارضی و واگذاری زمین به افراد، مالکیت زمین از نظر روستائیان نشان استقلال و استحکام موقعیت اجتماعی بود. افراد مالک دچار نگرانی‌ها و مهاجرت‌های جبری نبودند، منزلت اجتماعی مالکین و ارباب‌ها را در رابطه با تملک زمین توجیه می‌کردند، لذا به آسانی حاضر به از دست دادن مالکیت خود نیستند. امروزه روستائیان مهاجر مالکیت اراضی خود را در روستا حفظ کرده‌اند و یا بصورت پاره وقت کشاورزی می‌کنند. در ژاپن که روستائیان از طریق اصلاحات ارضی زمین دریافت داشته‌اند و زمین‌های کمی دارند، ضمن حفظ کشاورزی خود به مشاغل دیگر هم می‌پردازند. تعداد افرادی که مستقیماً فقط به کشاورزی می‌پردازند از بیست درصد کشاورزان کمتر است. بقیه با حفظ مالکیت و مدیریت فردی خود بر مزارع شخصی فعالیت‌های دیگری نیز دارند.<sup>۳۵</sup>

انقیاد زارعین به مالکان قبل از اصلاحات ارضی تا حدودی زیادی در رابطه با علاقه زارعین به زمین تحت کشت و زرع بوده است و تحمل بیگاری و پرداخت عوارض مختلف و ... بمنظور حفظ زمین رعیتی بوده است.

رابطه زارع و زمین در قالب منطق اقتصادی نمی‌گنجد، باین ترتیب طرح‌ها و پروژه‌هایی که یکپارچگی اراضی یا مدیریت تولیدی زراعی را مدنظر داشته است، توفیق نیافته‌اند. طرح شرکت‌های سهامی زراعی، تعاونی‌های تولید کشاورزی قبل از انقلاب و واحدهای تولید گروهی یعنی مشاعها بعد از انقلاب، موفق نبودند، زیرا این عامل را در محاسبات خود منظور نکرده بودند.<sup>۳۶</sup>

## ج - علاقه به مشارکت:

روستائیان از گذشته‌های دور تحت تأثیر الزامات طبیعی و شرایط محیطی و روابط چهره به چهره اجتماعی و انجام فعالیت‌های مشابه، اقدام به همیاری و دیگریاری می‌کرده‌اند. ولی این همکاری‌ها هیچگاه ناقض مدیریت تولیدی و مالکیت خصوصی آنها نبوده است. شیرواره، مبادله نیروی کار و ... جملگی حفظ استقلال اقتصادی خانوارهای روستائی را مد نظر داشته‌اند.<sup>۳۷</sup>

سوای برخی دیگر یاری‌ها که آن هم با عنایت به فرهنگ جامعه روستائی و تکیه آن بر دستورات و احکام اسلامی و وجود روابط خویشاوندی است.

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز  
سایر همکاری‌ها، در صورت تأمین منافع خانواده و افراد همکاری کننده صورت می‌گیرد

و این تأمین منافع باید نافی استقلال و مدیریت خانوادگی نباشد.  
دنباله بحث راجع به ویژگی‌های اجتماعی جامعه روستائی و روستائیان را به فرصت دیگری موکول می‌کند.

## یادداشت‌ها

1. Growth
  2. Economic Development
  3. Social Development
  4. Development
  5. P.Seers
- ۶- تودارو، ص ۱۳۴
7. Gollet
- ۸- برنامه‌ریزی در سطح محلی و توسعه روستائی ص ۳ و ۲۲.  
۹- تودارو، ص ۴۴.  
۱۰- نگاهی به کل قانون اساسی، خصوصاً مقدمه، اصل سوم، اصل بیست و نهم و اصل چهل و سوم. نشانگر مفهوم توسعه هستند. از آنجا که قانون اساسی ما براساس دستورات اسلام تدوین شده است عنایت اسلام به مفهوم توسعه مشخص می‌شود.  
۱۱- برنامه‌ریزی در سطح ملی و ... ص ۲۸.  
۱۲- تودارو، از ص ۴۴ تا ۵۳.
13. Vadakan
- ۱۴- برنامه‌ریزی در سطح محلی ص ۲۰.  
۱۵- نگاه کنید به منابع مختلف توسعه، از جمله کتاب توسعه اقتصادی مایکل تودارو، و...  
۱۶- عبدالله‌خان. مقاله توسعه مشارکتی به نقل از برنامه‌ریزی در سطح محلی، ص ۶۳  
۱۷- برداشتی نو از توسعه، میسرا.  
۱۸- گی‌روشه، کنش‌های اجتماعی، ترجمه دکتر زنجانی‌زاده. انتشارات دانشگاه



فردوسی مشهد..

- ۱۹- «در رژیم قدیم دو عایدات مهم بود که مملکت را اداره میکرد: یکی مالیات املاک مزروعی و دیگری عوائد گمرکی...» ص ۳۸، خاطرات و تالمات دکتر مصدق، انتشارات علمی. چاپ دوم ۱۳۶۵. مالیات املاک مزروعی در اواخر عهد ناصری تمام مخارج مملکت را تامین میکرد. «بالفی در حدود ۱۲ کروور تومان از این طریق به دولت می‌رسید. درآمد از محل گمرکات در حدود ۸۰۰ هزار تومان در سال بود. همان منبع ص ۴۲.
- ۲۰- کمیسیون برنامه در سال ۱۳۲۵ با مشارکت کارشناسان خارجی تشکیل شد.
- ۲۱- روستا، سرزمین مغضوب، آرشیو گروه اقتصاد سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۲- رزاقی، اقتصاد ایران، نشرنی، ۱۳۶۷.
- ۲۳- طالب، مهدی توسعه فقر یا فقر توسعه. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، زمستان سال ۱۳۶۹.
- ۲۴- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، اقتصاد سیاسی ایران، جلد دوم، پاپیروس، ۱۳۶۸. ص ۵-۱۶۰.
25. Le Coz Les Reformes Agraires. 1977. P.U.F. Paris.
- ۲۶- تا زمان اصلاحات ارضی، نمایندگان مجلس عمدتاً از مالکین یا وابستگان آنها بودند و بعد از اصلاحات ارضی نمایندگان مجلس بیشتر از بوروکرات‌ها و کارشناسان طبقه متوسط بودند. نگاه کنید به نمایندگان مجلس در بیست و یک دوره قانونگذاری. زهرا شجیعی - موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- ۲۷- رایان، روکس بروف، نظریه‌های توسعه نیافتگی. ترجمه علی هاشمی گیلانی، نشر سفیر، ص ۵۴.
- ۲۸- کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، جلد دوم. ص ۲۱۷.
- ۲۹- طبق محاسبه دکتر کاتوزیان در سال ۱۳۵۰ تولید روستائیان ۱۲۰ میلیارد و مصرف آنها ۱۷۹/۶ میلیارد ریال با شکافی در حدود ۶۰ میلیارد ریال شد.
- ۳۰- بطور مثال طرح تأمین ۱۴ قلم کالای اساسی که تا سال‌های قبل از انقلاب توسط سازمان تعاون روستائی به اجرا گذاشته می‌شد.
- ۳۱- به تعریف عمران روستائی در برنامه‌های چهارم و پنجم کشور نگاه کنید.
- ۳۲- میسراء، برداشتی نو از توسعه. گزیده مطالب اقتصادی اجتماعی. سازمان برنامه و بودجه. سال ۱۳۶۶.
- ۳۳- به مدیریت روستائی در ایران، در موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران. از نگارنده مراجعه فرماید.

- ۳۴- مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستائی از دکتر ازکیا، ص ۵۶.
- ۳۵- به مقاله نگارنده، واحدهای بهره‌برداری خانوادگی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد نگاه کنید.
- ۳۶- به مقاله نگارنده تحت عنوان واحدهای تولید گروهی: مشاعها، نشریه شماره ۲ گروه آموزشی تعاون، دانشکده علوم اجتماعی ۱۳۶۲ مراجعه شود.
- ۳۷- به مقاله نگارنده تحت عنوان «شیوه‌های همیاری در جامعه روستائی ایران» نامه علوم اجتماعی شماره ۱، ۱۳۶۷ دانشکده علوم اجتماعی مراجعه شود.